

حزب و جنبشی در کنست که توسط رژیم اسرائیل تروریستی نامیده شد

کاهانان زنده است!



محمد وحیدی

همین چند هفته پیش بود که در آمریکا دو نفر از اعضای سفارت رژیم اسرائیل در واشنگتن ترور شدند. بلافاصله چند ساعت بعد جلسه‌ای در کابینه دولت، به همراه بعضی از اعضای کنست و ارتش برگزار شد. جلسه‌ای که به منظور بررسی ابعاد این حادثه و طبق انتظارات، سر دادن فریاد برای یهودستیزی بود، اما خیلی زود اختلاف‌ها مشخص شد و جلسه‌ای که قرار بود کارکرد انسجامی داشته باشد، به صحنه دعوت‌تبدیل شد. جنجالی که چند ساعت بعد به رسانه‌ها، دفاتر احزاب، تلویزیون و توییت‌ر کشیده شد. ماجرا جایی جالب می‌شود که یائیر گولان (رهبر حزب دموکراتیک صهیونیستی) خطاب به الیا هو (وزیر میراث اسرائیل کابینه نتانیا هو) گفت: «دولت کاهانان زنده است» و به رهبری نتانیا هو، سوخت لازم را برای یهودستیزی در کل دنیا فراهم می‌کند. جمله‌ای که برای فهم بهتر دعوی امروز کابینه و کنست که به قول خیلی‌ها می‌تواند فروپاشی قریب‌الوقوع دولت اسرائیل را به همراه داشته باشد، باید سری به یکی از بنیان‌های اندیشه‌ای اسرائیل و تاریخ احزاب آن بزنیم.

خاخام مایر (متیر) دیوید ها کو هن کاهان

کاهان، یک یهودی اشکنازی متولد بروکلین نیویورک و از پدری اهل لتونی بود. یک سیاست‌مدار راست افراطی، بنیان‌گذار اتحادیه دفاع یهودیان (یک سازمان تروریستی، از منظر دولت آمریکا و اتحادیه اروپا و کانادا که سال ۱۹۶۸ توسط کاهان به منظور حفاظت از جان یهودیان در آمریکا و کانادا تأسیس شد)، رئیس یشیوای ایده یهودی (یشیوا مدارس یا موسسات مطالعه تورات براساس سنت‌های یهود هستند که در ادامه آموزش ابتدایی قرار دارد و یشیوای ایده یهود کاهان، مخصوص سربازان ارتش اسرائیل است) که خود تأسیس کرده بود، مفسر کتاب مقدس و نویسنده کتاب‌های فلسفی و بنیانگذار مکتب کاهانیسم یا همان کاهانان بود. مایر (مارتین)، در جوانی عضو گروه بتار شد و به گفته خودش خیلی تحت تأثیر اندیشه‌های ژاوبوتنسکی بود و از او تأثیر گرفت. چند سالی سردبیر خبرنامه بتار بود و بعد رئیس ناحیه بروکلین بتار شد. بعد از اون به یکی از یشیواهای نیویورک رفت و بعد چند سال تحصیل دینی، به مقام خاخامی رسید. او به اسرائیل رفت و بعد از نوشتن مقالات و کتاب‌های مختلف در زمینه فلسفه، تورات و سیاست، عضو کنست یازدهم از حزب کاخ یا به تلفظ عبری، کاج (Kach/Hac) هم شد؛ جنبش و حزبی که خودش تأسیس کرد و تا زمان زنده بودن، رهبری آن را هم برعهده داشت. بعد از مشخص شدن افکار و رویکردهای رادیکال نژادپرستانه کاهان و حزبی، در دور دوازدهم کنست رد صلاحیت شد و آمریکا هم به جرم فعالیت‌های تروریستی محکومش کرد. کاهان سال ۱۹۹۰ در نیویورک بعد از این که برای یهودیان ارتدکس سخنرانی کرد تا آن‌ها را متقاعد کند که به اسرائیل مهاجرت کنند، یک مهاجر مصری (السید النصیر که ادعا شد عضو القاعده است) در لباس مبدل یهودیان ارتدکس به کاهان نزدیک شد و با شلیک به گردنش او را کشت.

فقط این گونه

حرفی که گولان به الیا هو زد، حرفی دوپهلو بود که می‌تواند از طرفی به

این اشاره داشته باشد که کاهان و تفکر و حزب افراطی‌اش هنوز زنده است که حرف پریبراهی نیست، چون همین حزب لیکود که نتانیا هو از آن بیرون آمده، در کنست یازدهم با حزب کاهان در ائتلاف بود و بعد مرگ کاهان، بیشتر اعضای حزب کاخ به لیکود پیوستند. جالب اینجاست که ایتمار (ایتمار) بن گویر (بن غفیر)، وزیر حاشیه‌ساز و افراطی کابینه جنگ نتانیا هو، عضو همین حزب کاهان، یعنی کاخ بوده. از طرف دیگر جمله گولان به یکی از انشعاب‌های هنوز فعال و پیرجای حزب کاخ اشاره می‌کند. بعد از مرگ کاهان، در دهه ۹۰ میلادی انشعابی از حزب کاخ بیرون آمد که نام خود را گذاشتند «کاهان (کاهانان) زنده است» که بن گویر هم عضو همین حزب شد و اسموتریچ نیز از این حزب کار سیاسی خود را شروع کرد. کاخ یا کاج به فارسی معنی «این» یا «بنابر این» می‌دهد و حتی شعار عجیب‌تری به نام «فقط اینگونه» دارد. داستان از این قرار است که «این» به راه‌وروش ژاوبوتنسکی و بن گوریون در بتار و هاگانا اشاره دارد. حزب کاهان، تنها راه نجات را باارگشت به راه‌وروش بتار و هاگانا در سیاست می‌داند و فقط این‌گونه است که می‌توان ملت یهود را زیر پرچمی جمع کرد و امنیتشان را تأمین کرد. موضع اعلام شده این حزب در کنست واضح بود. از بعد جنگ اعراب و پیمان‌های صلحی که بسته شد، جامعه عربی سرزمین‌های تحت کنترل و اشغال رژیم اسرائیل روبه افزایش بود. همین موجب نگرانی کاهان شد. حزب کاهان یا همان کاخ موضعش این بود که سرزمین اسرائیل فقط به یهودیان، هر جا که باشند، تعلق دارد و غیریهودیان تنها با رعایت ضوابط و قوانینی که مختص به سبک زندگی یهودیان است می‌توانند زندگی کنند. برای اعراب سرزمین اسرائیل، اقامت موقت مشروط به ملاحظات امنیتی یا در عوض، انتقال و غرامت اموال را پرداخت می‌کردند. این غرامت اموال بحث و دعوایی حقوقی بود که این حزب سعی در اجرایی شدن آن در کنست یازدهم را داشت. این قانون عنوان می‌کرد که اموال یهودیان سرزمین‌های عربی که بعد از تأسیس دولت به اسرائیل آمدند توسط دولت‌های عربی غارت شده بود (از بعد تأسیس دولت حدود ۸۵۰۰۰۰ یهودی از کشورهای عربی رانده شده یا مجبور به مهاجرت شدند) و حزب کاهان دنبال این بود که غرامت اموال ملی نشده یهودیان عرب را از اعراب داخل سرزمین‌های اشغالی، جدای از مالیات، بگیرد. این حزب بعد از اصلاحاتی که در قانون کنست اعمال شد هم از انتخابات محروم شد و هم بعد از این که باروخ گلدشتاین از اعضای این جنبش، قتل عام آرامگاه ابراهیم (قتل عام غار پاتریارک‌ها) را انجام داد، از سوی دولت رژیم اسرائیل (در کنار آمریکا، کانادا و اتحادیه اروپا) یک سازمان و حزب تروریستی اعلام شد.

اندیشه وایدئولوژی کاهانیسم

کاهانیسم که پایه و اساس تفکر حزب کاخ در کنست بود، یک ایدئولوژی راست افراطی ناسیونالیسم صهیونیستی مبتنی بر مذهب است که معتقد است اعراب اسرائیلی و غیریهودیان، دشمن همه یهودیان و کشور اسرائیل هستند. این اندیشه با ارزش‌های دموکراسی لیبرال مخالف است و برای ایجاد یک کشور یهودی-توکراسی ضددموکراتیک هالاخایی تلاش می‌کند. (دولت هالاخا اصطلاحی است در فلسفه سیاسی

صهیونیستی که عبارتی است برای نوعی حکومت نظری متشکل از یک تفکر دینی مبتنی بر روش‌های توراتی و آموزه‌های خاخام‌ها. هالاخا آموزه‌هایی است که یک یهودی روزانه باید انجام دهد و تغییرپذیر و قابل تفسیر و عوض شدن (برخلاف آموزه‌های تلمودی) نیست و سعی بر ایجاد کشوری دارد که در آن اقلیت‌ها در اسرائیل حق شهروندی نخواهند داشت. ایدئولوژی کاهانیستی بر چهار ویژگی استوار است. چهار ویژگی که همین الان در برخی اعضای کنست و کابینه جنگ نتانیا هو هم قابل رویت است: ۱. نفی رژیم دموکراتیک؛ جایگزینی رژیم دولتی یهودی دموکراتیک با یک حکومت دینی هالاخایی. ۲. انکار حقوق مدنی اعراب اسرائیلی، درخواست برای اخراج آن‌ها یا حداقل گرفتن غرامت‌ها و مالیات‌های سنگین تحت تدابیر شدید امنیتی و تشویق شهرک‌نشین‌ها به اقدامات تروریستی و خشونت‌آمیز علیه اعراب. ۳. جدایی بین یهودیان و غیریهودیان در مناطق مسکونی، موسسات آموزشی، سواحل و غیره و درخواست برای ممنوعیت قانونی روابط جنسی بین یهودیان و غیر یهودیان یا مجازات زندان و ۴. انکار جایگاه یهودی سکولار، چپ‌گرا و لیبرال سهم ندانستن آن‌ها در دولت یهودی و محرومیت از برخی امکانات.»

تورات منبع عالی اقتدار یا اختلاف؟!

کاهان تو کتابش «نور اید» گفته که این‌ها سخنان او نیست، بلکه آموزه‌های یهودیت است. او اغلب سخنان دیگر اعضای کنست را از یهودیت صحبت می‌کردند را مسخره می‌کرد، چون معتقد بود که آن‌ها کاملاً از منابع واقعی یهودیت، یعنی کتاب مقدس، تلمود و هالاخا، بی‌اطلاعت و در واقع ارزش‌های دموکراسی و لیبرالیسم و سوسیالیسم را نمایندگی می‌کنند که با یهودیت در تضاد است. در قلب اندیشه‌های او، مفاهیم تورات از آسمان و برگزیدگی قوم اسرائیل قرار دارد. کاهان معتقد بود که یهودیت نه یک دین و نه یک ملت یا قوم است، بلکه ترکیبی از مذهب است. کاهان آرزو داشت که تمام ارکان کشور اسرائیل و اکثریت جامعه تصمیم بگیرند که قوانین در حوزه عمومی کشور اعمال شود و به عنوان مثال هتک حرمت عمومی روز سبت، فروش گوشت خوک و... واقعاً اعمال شود. او به عنوان عضو کنست بسیار تلاش می‌کند طی لویاحی در قانون حقه کند. او از حامیان سرسخت صهیونیسم بود که به نظر او با تندور هرتزل و اولین کنگره صهیونیستی آغاز نشد؛ بلکه با وعده خدا به ابراهیم آغاز شد. او مدعی آن بود که بین دموکراسی غربی و صهیونیسم تضاد وجود دارد، از ایده فلسطین کامل و الحاق سرزمین‌های فتح شده در جنگ شش‌روزه حمایت می‌کرد و همین آغاز اختلافات او با بن گوریون بود. دقیقاً مثل همین دعوایی که امروزه در داخل اسرائیل بر سر اشغال کامل غزه و شروع شهرک‌سازی‌های بیشتر در کرانه باختری وجود دارد. بن گوریون معتقد به اشغال بیشتر نبود و می‌گفت این باعث دردسرهای بیشتر و اتفاقاً زیاد شدن اعراب می‌شود و مسئولیت دارد، اما کاهان معتقد به اشغال کامل و از بین اعراب و اخراجشان بود. دقیقاً اینجا ریشه‌های اختلاف بین تیم گولان، اولمرت، نفتالی بنت، یائیر لاپید و تقریباً بنی گانتز با تیم الیا هو، اسموتریچ، بن گویر و نتانیا هو و سارین مشخص می‌شود. اختلافی که بیشتر تاکتیکی خود را نشان می‌دهد، اما ریشه‌ای عمیق و اندیشه‌ای و ایدئولوگ دارد.